

سرشناسه: حق شناس، عبدالکریم، ۱۲۸۵ - ۱۳۸۶
عنوان قرارداد: مواعظ: سلسله مباحث اخلاقی مرحوم آیت الله حق شناس. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: اخلاق (سلسله مباحث اخلاقی و پندهایی بر سیر و سلوک)
مؤلف: عبدالکریم حق شناس؛

تحت اشراف استاد محمدعلی جاودان؛ به اهتمام مؤسسه‌ی ایمان ماندگار؛
ویراستار: مصطفی شاه‌محمدپور.

مشخصات نشر: قم؛ واژه پرداز اندیشه، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص.

شابک: ۹-۳-۶۹۴۷-۶۹۴۷-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب «مواعظ: سلسله مباحث اخلاقی»

اثر مرحوم آیه الله حق شناس رحمه الله است.

یادداشت: کتابنامه: صص. ۳۴۵-۳۶۷.

موضوع: حق شناس، عبدالکریم، ۱۲۸۵-۱۳۸۶. -- وعظ

موضوع: اخلاق اسلامی؛ Islamic ethics

موضوع: عرفان؛ Mysticism

موضوع: آداب طریقت؛ Customs of the order

رده‌بندی کنگره: ۱۰/۵ BP

رده‌بندی دیوبی: ۰۸ / ۲۹۷

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۹۲۷۹۸۹



عنوان: اخلاق (پندهایی بر سیر و سلوک) (جلد اول)

مؤلف: آیت الله عبدالکریم حق شناس رحمه الله

تحت اشراف: استاد محمدعلی جاودان

گردآورنده: موسسه‌ی ایمان ماندگار

ناشر: واژه‌پرداز اندیشه

شابک: ۹-۳-۶۹۴۷-۶۹۴۷-۶۲۲-۹۷۸

ویراستار: حجت الاسلام مصطفی شاه‌محمدپور

مدیر هنری: مهیار سپهری

صفحه‌آرا: سید احسان عابدی

چاپ: اول؛ بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت جلد شومیز: ۴۹۵۰ تومان

قیمت جلد سخت: ۵۹۵۰ تومان

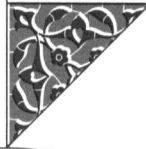
تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۲۳۵۲۶ * ۰۲۵-۳۷۷۴۱۷۵۲

* * *

حق مالکیت معنوی این کتاب محفوظ و متعلق به موسسه‌ی ایمان ماندگار است.

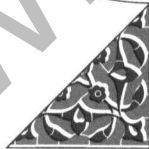


جِلْدِ اَوَّل



اخلاق

و پندهایی بر سر و سلوک



آيَةُ اللَّهِ حُشْنَاس

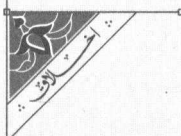
* مقدمه ----- ۱۷

- ۱۷ «توحید فطری» و «شرک تعلیمی»
- ۱۸ «شریعت الهی» یعنی توحید و تسلیم او بودن
- ۱۸ «دین» تنها راه بازگشت به توحید فطری
- ۱۹ «اسرار الهی» مخفی، ولی دست یافتنی است
- ۲۰ چیستی سیر و سلوک
- ۲۱ «جذبه تام» یا «سلوک کامل» برای وصول به غایت توحیدی
- ۲۱ ضرورت استاد و راهنما
- ۲۲ مرحوم آیت الله حق شناس
- ۲۳ درباره‌ی این اثر

فصل اول: یقظه و خودشناسی ----- ۲۷

گفتار اول: تویی غرض از خلقت ----- ۳۱

- ۳۱ خودت را بشناس!
- ۳۱ غرض تویی!...
- ۳۲ قدر خود را بدان!
- ۳۲ خود را به کم نفروش!
- ۳۳ استعدادهای خود را شکوفا کنید!
- ۳۳ از ملائک پزآن تر شو!
- ۳۳ بشناس قدر خویش که گوگرد احمری!
- ۳۴ تونسخه‌ای از علم و قدرت خداوندی!
- ۳۵ همه برای تو، تو برای او!
- ۳۵ سیر در ملکوت و شناخت خدا، ظرفیت توست!
- ۳۶ موقعیت خود را بشناس!
- ۳۶ خوشابه حال ما؛ بیشتر از اهل بیت (علیهم السلام)!
- ۳۷ خوشابه حال ما آخر الزمانی‌ها!



- گفتار دوم: ضروری بر اهداف خلقت ----- ۳۹
۱. «خلقت» خودنمایی خداست! ۳۹
 ۲. هدف، در بازگشت به خدا پنهان است ۳۹
 ۳. «قدرت نمایی خدا» نه چریدن حیوانی! ۳۹
 ۴. ظهور دادن اسماء و اوصاف الهی ۴۰
 ۵. برخورداری از نعمت های ابدی و رضوان الهی ۴۱
 ۶. امتحان و جداسازی خوب ها از بدها ۴۲

گفتار سوم: چقدر از خودت بیگانه ای؟! ----- ۴۳

۱. اعمال، در ترازوی قرآن ۴۳
۲. نفس فریبت ندهد! ۴۳
۳. ببین چقدر می ارزی؟! ۴۴
۴. کلاه پر سرت رفته! ۴۴
۵. وضع نماز خواندن ما! ۴۵
۶. لذت نبودن از مناجات، بدترین عذاب الهی ۴۵
۷. مبادا با این مصیبت ها، به تله بیفتی! ۴۶
۸. دلیل به جهنم رفتن! ۴۷
۹. سیراستدراجی اشقیاء ۴۷
۱۰. معنای استدراج ۴۸
۱۱. اذیت پیغمبر ﷺ و دم زدن از ولایت؟! ۴۸
۱۲. اهل بیت ﷺ، نعمتی که از آن سوال می شود ۴۸
۱۳. بررسی نشانه های ولایت اهل بیت ﷺ ۴۹
۱۴. هدر دادن عمر با توجیهات دینی! ۴۹
۱۵. فراموشی بعد از گشایش! ۴۹
۱۶. دلیلی برای عقب ماندگی ۵۰
۱۷. نگو: من بهترینم! ۵۰
۱۸. برخذر باش که خدا رهایت نکند! ۵۰
۱۹. حجاب انانیت و نفسانیت ۵۱
۲۰. خودت را هیچ بدان تا بزهی! ۵۱

گفتار چهارم: نعمت عمر و استعدادها ----- ۵۲

۱. بقیه ی عمر را دریاب! ۵۲
۲. سراپ غرور! ۵۴
۳. پیمانه ی عمرت را پُر کن! ۵۴
۴. بیا و قدمی بردار! ۵۵
۵. زمان مرگ تو هم می رسد! ۵۵
۶. بگو: بیچاره ام و کاری نکرده ام! ۵۶
۷. بر خطاهایت، گریه کن! ۵۶
۸. دنیای بزرگتر از آخرت نباشد! ۵۶
۹. دنیا فقط برای تحصیل آخرت است! ۵۷
۱۰. به کارگیری نعمت ها برای دست یابی به آخرت ۵۷

فصل دوم: علم و آگاهی

- ۵۹ گفتار اول؛ منزلت علم و علم آموزی
- ۶۳ «علم» نور و غایت است
- ۶۳ فضیلت علم
- ۶۴ فضیلت علم و علم آموزی
- ۶۶ گرفتاری های دنیوی، نتیجه ی علم گریزی
- ۶۶ حالت و موقعیت مؤمن نسبت به علم
- ۶۷ در جست و جوی علم دین باش!
- ۶۸ دنبال علم نباشی، چوب می خوری!
- ۶۸ دعای پیامبر ﷺ در حق امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۶۹ علم پلهاء

- ۷۱ گفتار دوم؛ علم لازم و نافع
- ۷۱ علم صحیح فقط اینجاست!
- ۷۱ «خودشناسی» علم واجب
- ۷۲ علم لازم چیست؟
- ۷۲ منظور از علم، چیست؟!
- ۷۳ علم رسمی، فقط طریق است
- ۷۳ «عرفان بی عمل» هم کارساز نیست
- ۷۴ ضرورت علم در سیرالی الله تعالی
- ۷۴ خودت را مشغول نکن!
- ۷۵ مبادا با اشتغال علمی، از علم ضروری باز بمانی!
- ۷۵ بدان که تو مسئولی!
- ۷۵ علم نافع به قلب راه یافته
- ۷۵ آیه ی محکمه و بینایی چشم دل
- ۷۷ «اخلاص» راه دست یابی به آیه ی محکمه
- ۷۷ فریضه ی عادل و کسب فضائل اخلاقی
- ۷۸ اخلاق در رأس همه ی علوم
- ۸۰ «علم الهی» به عاصی داده نمی شود
- ۸۱ خیر یعنی فهم عمیق دین
- ۸۱ جایگاه بلند تفقه در دین
- ۸۲ علم و زندگی
- ۸۲ فقه از همه چیز نافع تر است

- ۸۳ گفتار سوم؛ منزلت عالمان راستین
- ۸۳ جایگاه عالم ربانی
- ۸۳ مثل ماه بدرخش!
- ۸۴ عالمان، هدایت گران جامعه
- ۸۴ برتری عالم از هزاران عابد
- ۸۵ برتری نماز عالم به جاهل
- ۸۶ عظمت عالم در زمین و آسمان



- ۸۶ ▪ شهدا تربیت یافتگان مکتب عالمان
۸۷ ▪ ویژگی های عالمان راستین

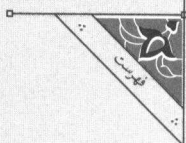
- ۸۹ ----- گفتار چهارم: منزلت طلب علم
۸۹ ▪ مرگ متعلم دینی، شهادت است!
۸۹ ▪ مقام دانشمندان احیاگردین
۹۰ ▪ جاهلان، پست ترین مردم
۹۰ ▪ فضیلت علم آموزی
۹۱ ▪ بوعلی خود را با درس خواندن می‌گشت

- ۹۳ ----- گفتار پنجم: اوصاف لازم برای متعلم
۹۳ ▪ ابا عبدالله برای نجات بندگان فدا شد!
۹۴ ▪ «رفتار صالح» ثمره ی علم
۹۴ ▪ تجسم اخلاق در دانشور علم حقیقی
۹۵ ▪ ویژگی های متعلم
۹۶ ▪ ادبی در یادگیری
۹۷ ▪ متخلق بودن و ایمان کامل داشتن
۹۸ ▪ اهل عمل بودن به علم
۹۹ ▪ ویژگی صدوق و معدن صدق بودن برای متعلم
۱۰۰ ▪ ارتباط با پروردگار شرط علم آموزی

- ۱۰۱ ----- گفتار ششم: علم متعلم
۱۰۱ ▪ بدون استعداد نباید وارد مباحث دقیق عقلی شد!
۱۰۱ ▪ پای استدلال هم باید به ایمان محکم شود
۱۰۲ ▪ روشی برای نشر معارف و حفظ شرایط
۱۰۲ ▪ من خودم، درس را تعطیل کردم!
۱۰۳ ▪ تحصیل علوم عقلی، زیر نظر استاد خبیر
۱۰۳ ▪ وقت مردم را نیز نباید گرفت

- ۱۰۵ ----- گفتار هفتم: شناخت دنیای امروز
۱۰۵ ▪ ضرورت آگاهی به حقیقت دنیای امروز
۱۰۵ ▪ آیا این تمدن است؟!
۱۰۶ ▪ تمدن اسلامی در برابر تمدن منحل غرب

- ۱۰۷ ----- گفتار هشتم: ضرورت اهتمام به یادگیری
۱۰۷ ▪ ارزش و ضرورت علم آموزی
۱۰۷ ▪ «هر روز» باید آموخت!
۱۰۹ ▪ مجالس علم را روی چشم بگذار!
۱۰۹ ▪ شرکت در مجالس علمی
۱۰۹ ▪ ضرورت تربیت و تزکیه در کنار علم آموزی
۱۱۰ ▪ بدون تهذیب، نمی شود علم آموخت



فصل سوم: کلیات و معیارهای سلوک

- ۱۱۱ ----- گفتار اول: اسوه‌ی حسنه
- ۱۱۵ سیره و رفتار پیامبر ﷺ
- ۱۱۶ برخی مکارم اخلاق پیامبر ﷺ
- ۱۱۶ الگوی رفتاری لقمان در بیان امام صادق ﷺ
- ۱۱۹ وساطت اهل بیت برای معرفت و عبادت خدا

- ۱۲۱ ----- گفتار دوم: لزوم تبعیت عملی
- ۱۲۱ نشانه‌ی محبت اهل بیت، تبعیت از آنان است
- ۱۲۱ میزان و سنجش اعمال انسان
- ۱۲۲ «تبعیت و پیروی» راه تحصیل «نور و هدایت الهی»
- ۱۲۳ «تبعیت عملی» نشانه‌ی شیعه بودن
- ۱۲۳ پیروی از اهل بیت، تنها مسیر بندگی
- ۱۲۴ تبعیت تابع معرفت است
- ۱۲۴ «شیعه» عاقل است
- ۱۲۵ پیروی از راه اهل بیت ﷺ
- ۱۲۵ تبعیت از اهل بیت حق آن هاست
- ۱۲۶ تائیدی و پیروی را از امیرالمؤمنین یاد بگیریم
- ۱۲۷ معنای موالات اهل بیت ﷺ
- ۱۲۷ شیعه کیست؟!
- ۱۲۸ تائیدی تام از اهل بیت حتی در گریستن
- ۱۲۸ «شیعه» فانی در امام است

- ۱۲۹ ----- گفتار سوم: طاعت و بندگی
- ۱۲۹ باید عبد شد!
- ۱۲۹ «طاعت و بندگی» وسیله‌ی قرب الی الله
- ۱۳۰ تنها راه نجات: «طاعت خدا بر پایدی علم»
- ۱۳۰ بعضی را دقیق رصد می‌کنند!
- ۱۳۱ کنترل تمام اعضا و جوارح
- ۱۳۱ بدان که چرا بنده‌ی مایی...

- ۱۳۳ ----- گفتار چهارم: عمل صالح و تقوای الهی
- ۱۳۳ «حیات طیبه» نتیجه‌ی ایمان و عمل صالح
- ۱۳۳ اهتمام متقابل عبد و رب
- ۱۳۳ فرمان برداری از خدا و فرمان برداری خدا
- ۱۳۴ یادگیری برای عمل کردن
- ۱۳۴ کلاس اول سلوک: ترک کامل محرمات
- ۱۳۵ عقل یعنی بندگی
- ۱۳۵ گرنش در مقابل پروردگار، راه نجات از ظلمات
- ۱۳۵ مبادا در بعضی اماکن دیده شوید!
- ۱۳۶ بازگشت، ممنوع!

گفتار پنجم: استقامت در دین داری - - - - - ۱۳۷

- ۱۳۷ استقامت عملی بر ولایت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۸ استقامت «قلب استوار» می خواهد
- ۱۳۸ «ایمان اشراقی» نتیجه‌ی استقامت
- ۱۳۸ مژده بهشت بر استقامت کنندگان
- ۱۳۹ استقامت در برابر ناملایمات

گفتار ششم: ایمان حقیقی - - - - - ۱۴۱

- ۱۴۱ بین خالق و مخلوق، خویشاوندی نیست
- ۱۴۱ «ایمان» راه نجات از شرّ شیطان
- ۱۴۲ سنجش ایمان با امتحان‌های الهی
- ۱۴۲ احتیاجات ضروری یک مومن
- ۱۴۳ ایمان حیات بخش قلب است
- ۱۴۳ «مؤمن» محترم است
- ۱۴۳ ایمان، مایه‌ی آرامش انسان

گفتار هفتم: نشانه‌های ایمان حقیقی - - - - - ۱۴۵

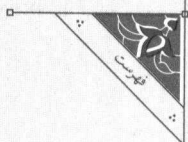
- ۱۴۵ علامت ایمان
- ۱۴۶ اشتغال به خود و خدای خود
- ۱۴۷ قوت و قدرت در دین داری، نشانه‌ی ایمان است
- ۱۴۷ «تسلیم و رضا» از نشانه‌های اهل ایمان
- ۱۴۸ قدرت تشخیص
- ۱۴۹ ترک «چون و چرا»
- ۱۵۰ رفتار صحیح از نشانه‌های ایمان حقیقی
- ۱۵۰ همه چیز برای مولی
- ۱۵۱ صفات مؤمن در بیانات امیرالمؤمنین

گفتار هشتم: آثار و برکات ایمان کامل - - - - - ۱۵۳

- ۱۵۳ آثار ایمان و استقامت
- ۱۵۳ یقینی مانند نور خورشید
- ۱۵۴ نشانه‌های اهل یقین
- ۱۵۶ توکل و حقیقت آن
- ۱۵۷ توکل عوام و خواص

گفتار نهم: تربیت و امداد الهی - - - - - ۱۵۹

- ۱۵۹ باید خدا مرئی شما شود!
- ۱۵۹ دستی مرا می‌پروراند
- ۱۶۰ امداد غیبی از نشانه‌های یقین
- ۱۶۰ نشانه‌های کمک و عنایت خدا
- ۱۶۱ راه‌کاری برای مورد عنایت خدا شدن



۱۶۳ - - - - - گفتار دهم: تمهید و هدایت الهی

- ۱۶۳ ▪ نشانه‌های امداد الهی
- ۱۶۳ ▪ اولیای خدا تحت تکفل پروردگارند
- ۱۶۴ ▪ من، این‌طور خانه‌دار شدم...
- ۱۶۵ ▪ نمونه‌ای از تکفل و هدایت الهی

۱۶۷ - - - - - گفتار یازدهم: در آغوش خدا

- ۱۶۷ ▪ موری در بارگاه سلیمان آفرین!...
- ۱۶۸ ▪ تنها قصد و امید من تویی!
- ۱۶۸ ▪ در محضر پروردگار
- ۱۶۸ ▪ خالی کردن دل از غیر خدا مقدمه‌ی هم‌نشینی با خدا
- ۱۶۹ ▪ مؤانست با خدا
- ۱۷۰ ▪ معرفت شهودی به خدای متعال

۱۷۱ - - - - - گفتار دوازدهم: گستره‌ی رحمت الهی

- ۱۷۱ ▪ محبت‌های عالم، یک جزء محبت پروردگار
- ۱۷۲ ▪ انسان در رحمت الهی غرق است
- ۱۷۲ ▪ یادآوری نعمت‌ها، راه آشتی با خدا
- ۱۷۲ ▪ آیا مخالفت با خدای مهربان، سزاوار است؟!
- ۱۷۳ ▪ رحمت عمومی و مهر خاص الهی
- ۱۷۴ ▪ «گوش شنوا و چشم بینا» نشانه‌های خیرخواهی الهی
- ۱۷۴ ▪ وجوب رحمت و اسعه برای متقین
- ۱۷۵ ▪ رحمت خدا بر سر محسنین می‌بارد
- ۱۷۵ ▪ با محبت خدا، ضرری به انسان نمی‌رسد
- ۱۷۶ ▪ محبت دوطرفه‌ی میان عبد و پروردگار
- ۱۷۶ ▪ نشانه‌های دوستی خدا فراوان است
- ۱۷۶ ▪ درهای رحمت الهی به روی بندگان باز است
- ۱۷۷ ▪ حتی فرعون هم در گستره‌ی رحمت الهی غرق شد

۱۷۹ - - - - - گفتار سیزدهم: راه برخورداری از رحمت الهی

- ۱۷۹ ▪ با تقوا از رحمت الهی بهره ببریم
- ۱۷۹ ▪ تو هم این‌گونه مهربان باش!
- ۱۸۰ ▪ شیوه‌های برخورد با گناه‌کاران
- ۱۸۱ ▪ مثل خدا و اهل بیت علیهم‌السلام باش!
- ۱۸۲ ▪ «مسجد» جای کمک به فقرا
- ۱۸۳ ▪ شرط ورود به باب الرحمة

۱۸۵ - - - - - گفتار چهاردهم: هر روزی با خدا -

- ۱۸۵ ▪ تمام توان و تلاشت را به کار بگیر!
- ۱۸۵ ▪ در این مسیر، زلیخا شو...!
- ۱۸۶ ▪ سوختن و ساختن با عشق محبوب



- ۱۸۷ دوستی خدا، دوطرفه است
- ۱۸۷ وقتی خدا دوستت بدارد، به همه می‌گوید:...
- ۱۸۸ عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد؟!
- ۱۸۹ کثرات مانع مهرورزی به خدا
- ۱۹۰ «مهرورزی و عاشقی» عامل حرکت به سمت محبوب

گفتار پانزدهم: برخی نشانه‌های محبت الهی ----- ۱۹۱

- ۱۹۱ محبت خدا، شریک ندارد
- ۱۹۲ محبت الهی، تبعیت می‌آورد
- ۱۹۴ ایجاد دوستی جدید
- ۱۹۴ دوری جستن از موانع
- ۱۹۵ آثار محبت الهی در جان و رفتار عاشق
- ۱۹۶ طیب حقیقی خداست
- ۱۹۶ تجلی خدا در بنده
- ۱۹۷ غفلت از بهشت و اشتغال به خدا

فصل چهارم: موانع سلوک ----- ۱۹۹

گفتار اول: مانعیت گناه ----- ۲۰۳

- ۲۰۳ دستورات الهی، تابع مصالح و مفاسد است
- ۲۰۴ قدم اول، ترک گناه است
- ۲۰۵ کوشش در رفع موانع
- ۲۰۵ هرا اتفاق و فشاری، نتیجه‌ی گناه است!
- ۲۰۶ گناه، خانمان سوز است!
- ۲۰۶ گناه، تو را نجس می‌کند!
- ۲۰۷ از گناه و قضاوت‌های خود بترس!
- ۲۰۷ قبل از گناه، عظمت و مراقبت الهی را یاد کن!
- ۲۰۸ همیشه خود را در محضر خدا ببین!

گفتار دوم: برخی گناهان مورد ابتلا ----- ۲۰۹

- ۲۰۹ زبان، وسیله‌ای برای گناه: آن را نگاه دار!
- ۲۱۰ زیاد سخن نگو و سکوت کن!
- ۲۱۰ باید سکوت کرد!
- ۲۱۰ اصلاً درباره‌ی دیگری، سخن نگو!
- ۲۱۱ کدورت قلبی بر اثر غیبت سهوی!
- ۲۱۱ علت عقب ماندگی‌ها
- ۲۱۱ راه اصلاح زبان، ترک باقی گناهان است
- ۲۱۲ پیشگیری از گناه با یادگیری احکام
- ۲۱۲ مجلس غیبت را ترک کن!
- ۲۱۴ هرزگی در رفتار، به خاطر بیماری قلب است

گفتار سوم در ذائل اخلاقی ----- ۲۱۵

- ۲۱۵ رذائل اخلاقی و رفتاری، حجاب هستند!
- ۲۱۵ اهل سمعه ۴ نباش!
- ۲۱۶ وسواس نداشته باش!
- ۲۱۶ برخی موانع استجاب دعا
- ۲۱۷ دزنده خوبی‌ات را بگش!
- ۲۱۷ اهانت به اولیای خدا، از مهم‌ترین عیوب و موانع
- ۲۱۸ نیرنگ و خدعه با خدا ممنوع!
- ۲۱۹ حجاب قلبی بزرگان

گفتار چهارم نفوس و هوس ----- ۲۲۱

- ۲۲۱ شیطان، کمک‌کار نفس است!
- ۲۲۱ امان از عقل اسیر هوای نفس!
- ۲۲۲ غفلت دامگه شیطان است
- ۲۲۲ مشغول به خویشستن باش!
- ۲۲۳ پیروی از خواسته‌های نفسانی ناپودگنده است
- ۲۲۳ تابع هوای نفس نباش!
- ۲۲۴ پیروی از خطورات ذهنی، عاقبت به شری می‌آورد
- ۲۲۵ نگران نباش و دوباره بلند شو!
- ۲۲۶ مسافران مسیر، در امتحانات واقع می‌شود
- ۲۲۷ تمام وقت را برای کار نگذار!
- ۲۲۸ غش در معامله نکن!
- ۲۲۹ تعلقات را کنار بزن!
- ۲۲۹ بی‌عملی و انتظار بهیشت؟!
- ۲۲۹ بدان که همیشه بنده‌ای!
- ۲۳۰ از کارهای بیهوده و اتلاف عمر بپرهیز!

گفتار پنجم شیطان رجیم، دشمن آشکار ----- ۲۳۳

- ۲۳۳ دشمنی شیطان و راهکار تشخیص وسوسه‌های او
- ۲۳۴ راهکار تشخیص وسوسه‌های شیطان
- ۲۳۵ وسوسه شیطان
- ۲۳۶ جواب به شیطان
- ۲۳۷ راه‌های ورود شیطان
- ۲۳۸ القای شبهه شیطان در اول راه
- ۲۳۹ فریب‌های شیطان و راه مقابله با آنها
- ۲۳۹ سه گروه در معرض وسوسه‌های شیطان
- ۲۴۲ سلاح مقابله با شیطان
- ۲۴۳ تلاش شیطان برای توقف و عقب‌گرد مؤمن
- ۲۴۴ حمله‌های شیطان، عالمانه است!



۲۴۷	گفتار ششم؛ شباطین انسی
۲۴۷	▪ حقیقت دنیای امروز
۲۴۷	▪ تمدن پوچ و فریبنده‌ی غرب
۲۴۸	▪ علم دین که از «غرب» نمی‌آید!
۲۴۸	▪ شناخت راه صلاح، از غرب؟!
۲۴۸	▪ دشمنان چیزی از حقیقت نمی‌فهمند
۲۴۹	▪ راهزن‌های صوفی
۲۴۹	▪ مصاف منطقی با صوفیه
۲۵۱	▪ دشمن را بزرگ نکنید!

❖ فصل پنجم: روش سلوک صحیح

۲۵۹	❖ بخش اول: ایمان و باور قلبی
۲۵۹	گفتار اول: شناخت استدلالی و اعتقاد عقلی
۲۵۹	▪ جایگاه معرفت نزد رسول اسلام ﷺ
۲۵۹	▪ غضبه‌ی پر قیمت خداشناسی
۲۶۰	▪ عقل رازنده کن و شهوات را بمیران!
۲۶۰	▪ بدان که «همه» خدا را می‌شناسند!
۲۶۲	▪ معرفت نفس
۲۶۲	▪ می‌دانی خدا کجاست؟
۲۶۲	▪ کیفیت خداشناسی امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۶۳	▪ خدا را با خدا بشناسید
۲۶۳	▪ «نفس» مانع است...
۲۶۴	▪ نتیجه‌ی دین‌داری بدون اخلاص
۲۶۴	▪ اگر خدا را بشناسی، فدایش می‌شوی!

۳۶۵	❖ گفتار دوم؛ یقین قلبی و ایمان اشرابی
۳۶۵	▪ کم‌کم از عقل عبور کن!
۳۶۵	▪ خیلی راحت خدا را بشناس و بالا بیا!
۳۶۶	▪ ای «عاقل»، با «قلب» پیش بیا!
۳۶۶	▪ ایمان اشرابی و التماس شبانه
۳۶۶	▪ آیا این‌گونه هستی؟!
۳۶۸	▪ مواظبی از حضرت اباعبدالله علیه السلام
۳۶۸	▪ کسب ایمان از طریق حکمت عملی
۳۶۹	▪ ایمان اشرافی در اثر استقامت
۳۶۹	▪ راه و بیراهه‌ی ایمان اشرابی
۳۷۰	▪ راه تحصیل یقینی قلبی چو آفتاب
۳۷۱	▪ راه دریافت ایمان اشرابی
۳۷۲	▪ اگر این‌گونه‌ای، امیدوار باش!

۴۷۳	❖ گفتار سوم؛ نتایج ایمان اشرافی و قلبی
۳۷۳	▪ وقتی که معلومات به قلب برسد

- ۲۷۴ ▪ نمونه‌هایی از مقام انسانیت
- ۲۷۴ ▪ الهام «هدایت و رشد» به قلب
- ۲۷۴ ▪ تصحیح نگاه به وسائط عالم
- ۲۷۶ ▪ روزی‌ده کیست؟!
- ۲۷۶ ▪ همه چیز دست خداست...
- ۲۷۷ ▪ «من خدا» مسئول کارهایت هستم!
- ۲۷۷ ▪ خدا پیداست ولی تو کوری!...

※ بخش دوم: تَقَوُّوا وَ اطَاعَتِ مَحْضِ ----- ۲۷۹

- ﴿گفتار اول: تقوا و پرهیزکاری ----- ۲۷۹﴾
- ۲۷۹ ▪ اهمیت تقوا و عبودیت محض
 - ۲۸۰ ▪ تا می‌توانی «تقوا» داشته باش!
 - ۲۸۰ ▪ کسب مراتب پایین برای نیل به مراتب بالا
 - ۲۸۰ ▪ تقوا و تنفر از منکرات
 - ۲۸۱ ▪ شب‌های متقی واقعی و دوست خدا
 - ۲۸۱ ▪ برنامه‌ی شبانه‌روز یک متقی
 - ۲۸۲ ▪ نشانه‌های پرهیزکاری
 - ۲۸۲ ▪ برخی دیگر از اوصاف متقین

﴿گفتار دوم: پورع و تعبد محض ----- ۲۸۵﴾

- ۲۸۵ ▪ مراتب «ورع» و تعبد محض
- ۲۸۶ ▪ مراقب نیات خود نیز باش!
- ۲۸۶ ▪ این‌گونه باید انتظار رحمت داشت
- ۲۸۷ ▪ عمل خود را نبین!...
- ۲۸۸ ▪ راه از دیاد ورع
- ۲۸۹ ▪ تلاش‌هایی بی‌اثر

※ بخش سوم: مُجَاهِدَةُ بِنَفْسِ ----- ۲۹۱

﴿گفتار اول: مجاهده‌ی فی سبیل الله با نفس ----- ۲۹۱﴾

- ۲۹۱ ▪ واجب‌ترین مجاهده
- ۲۹۱ ▪ ضرورت مجاهده
- ۲۹۲ ▪ «خروج از خانه‌ی تاریک نفس» اولین قدم
- ۲۹۲ ▪ بعد از ترک نفس، می‌فهمی باید چه کار کنی
- ۲۹۳ ▪ با مفارقت اهل دنیا، از نفست هجرت کن!
- ۲۹۳ ▪ هواهای نفسانی خود را رها کن!
- ۲۹۴ ▪ اول کیسه‌ات را بدوز!
- ۲۹۴ ▪ از خدا کمک بخواه!
- ۲۹۵ ▪ با توسل بر نفس و شیطان چیره شو!
- ۲۹۵ ▪ مجاهده باید در راه خدا باشد
- ۲۹۶ ▪ دعا‌هایی بی‌اثر
- ۲۹۶ ▪ با نفست، بجنگ و اسیرش کن!



- ۲۹۷ ■ نورانیت قلب به واسطه‌ی حبّ الهی
- ۲۹۸ ■ مجاهده با نازپروری نمی‌شود...
- ۲۹۸ ■ «الف» که بگویی باید تا «باء» بروی!
- ۲۹۹ ■ نفست را دشمن بدان
- ۲۹۹ ■ مقام چیست؟! هنوز درگیر نفسی...!
- ۳۰۰ ■ همیشه به «نفس» بدبین باش!
- ۳۰۰ ■ مؤمن «دلم می‌خواهد» ندارد!
- ۳۰۱ ■ مخالفت با هوای نفس یعنی چه؟
- ۳۰۱ ■ «دلم می‌خواهد» یعنی هوای نفس و بی‌بند و باری
- ۳۰۲ ■ تنها علاج خطورات نفسانی
- ۳۰۲ ■ «جهاد با نفس» تنها راه رستگاری!
- ۳۰۲ ■ مجاهده تا سر حدّ مرگ!
- ۳۰۳ ■ نفس، چگونه می‌میرد؟!
- ۳۰۳ ■ مودن در مجاهده، شهادت است
- ۳۰۴ ■ مجاهده باید در قالب شرع باشد...
- ۳۰۴ ■ یک قدم مؤثر بردار!
- ۳۰۵ ■ نفست را به بردگی آخرت بکش!
- ۳۰۵ ■ راه خارج شدن از کوری و کری

■ گفتار دوم: درباره‌ی مانت نفس خبیث ----- ۳۰۷

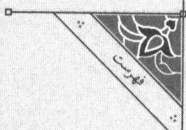
- ۳۰۷ ■ در مقام نصیحت نفس خبیث
- ۳۰۹ ■ عاقل و قهرمان واقعی بر نفس خود چیره شده است
- ۳۰۹ ■ آن قدر بگو «می‌توانم» تا بالاخره بتوانی!
- ۳۱۱ ■ عتاب، کندن و کوبیدن نفس
- ۳۱۱ ■ کرم الهی برای عامل هاست...
- ۳۱۲ ■ برای مرضی نفس، به دنبال درمان باش!

■ گفتار سوم: آثار مجاهده با نفس ----- ۳۱۳

- ۳۱۳ ■ دست یافتن به ریسمان‌های الهی
- ۳۱۴ ■ «تصفیه» راه ارتباط با عالم بالا
- ۳۱۴ ■ تزکیه نفس و وصول به حق
- ۳۱۵ ■ وصول به مقام محسنین
- ۳۱۵ ■ جلب نصرت الهی
- ۳۱۶ ■ پاک‌ی و طهارت قلب
- ۳۱۶ ■ آیا نورانیت قلبی خلع نمی‌شود؟!
- ۳۱۷ ■ «تصفیه» راه ارتباط با عالم بالا

■ گفتار چهارم: مجاهده‌ی عملی و واقعی ----- ۳۱۹

- ۳۱۹ ■ همه چیز در سایه‌ی عمل به قوانین الهی
- ۳۲۰ ■ تو می‌مانی و اعمالت...
- ۳۲۰ ■ پیرامون جدیت و محبت



- ۳۲۰ ▪ اگر اسوه‌ات پیامبر است، پس عملت کو؟!
- ۳۲۰ ▪ شعار دوستی، بدون عمل؟!
- ۳۲۱ ▪ راهی نیست؛ باید عمل کنی!
- ۳۲۱ ▪ داستان یک فرد عامل...

۳۲۳ * بخش چهارم: مراقبه و محاسبه -----

۳۲۳ ▪ گفتار اول مراقبه و درک حضور -----

- ۳۲۳ ▪ مراقبه یعنی چه؟!
- ۳۲۳ ▪ مکاشفه‌ای پیرامون حقیقت مراقبه
- ۳۲۴ ▪ خود را در محضر پروردگار ببین!
- ۳۲۴ ▪ رعایت ادب در محضر خدا و اولیاء او
- ۳۲۵ ▪ عالم محضر خدا و اولیاء خداست
- ۳۲۵ ▪ داستانی از اطلاع امام بر احوال دیگران
- ۳۲۶ ▪ تو در حضور و محضر پروردگاری
- ۳۲۷ ▪ عزم بر گناه هم حجاب است!
- ۳۲۸ ▪ مباحات هم حجاب قلب است!
- ۳۲۸ ▪ کسی سنگینی قلب را می‌فهمد که مراقبه دارد
- ۳۲۸ ▪ در ابتلائات نیز، غافل و متوقف نشو!
- ۳۲۹ ▪ «مراقبه در مصیبت» مقدمه‌ی رشد است
- ۳۲۹ ▪ باید از خود و دیگران مراقبات داشت

۳۳۱ ▪ گفتار دوم: آثار مراقبه -----

- ۳۳۱ ▪ با «مراقبه» می‌توان «هم‌واحد» داشت
- ۳۳۱ ▪ مراقبه به تو قدرت و وزانت می‌دهد!
- ۳۳۲ ▪ اهل مراقبه، دیگر کور نیستند
- ۳۳۲ ▪ موجبات استفاده‌ی فیوضات رحمانی
- ۳۳۳ ▪ اکرام، محبت و نورانیت الهی
- ۳۳۴ ▪ شیطان هنگام ترک «مراقبه‌ی حضور» نزدیک می‌شود

۳۳۵ ▪ گفتار سوم: محاسبه و بررسی مراقبه -----

- ۳۳۵ ▪ ضرورت محاسبه و وزن‌کشی معنوی
- ۳۳۵ ▪ محاسبه کار عاقلان زیرک است
- ۳۳۵ ▪ اثر تکمیلی محاسبه برای مراقبه
- ۳۳۶ ▪ با محاسبه می‌فهمی چقدر عقبی!
- ۳۳۶ ▪ خدا در محاسبه عیوبت را نشانت می‌دهد!
- ۳۳۶ ▪ باید در محاسبه، توبه کنیم

۳۳۹ * منابع و مآخذ -----

۳۴۷ * فهرست آیات -----

۳۵۱ * فهرست روایات -----

۳۶۱ * نمایه -----



«إِلَهِی فَاسْأَلْکَ بِمَا سَبَّلَ الْوُصُولَ إِلَیْکَ، وَسَیَّرَنَا فِی أَقْرَبِ الطَّرِیقِ لِلْوُقُودِ عَلَیْکَ، قَرَّبَ عَلَیْنَا
الْبَعِیدَ وَسَهَّلَ عَلَیْنَا الْعَسِیرَ الشَّدِیدَ، وَأَلْحَقْنَا بِالْعِبَادِ الذِّینَ هُمْ بِإِیدَارِیَکَ یُسَارِعُونَ
وَبَابَکَ عَلَى الدَّوَارِ یَظَرُّوْنَ وَإِذَاکَ فِی اللَّیْلِ یَعْبُدُونَ وَهُمْ مِنْ هَبِیَّتِکَ مُشْفِقُونَ...»

مناجات المریدین للامام السجاد زین العابدین (ع)

✽ «توحید فطری» و «شُرک تعلیمی»

نوع انسان و تک تک بنی آدم، بر فطرت توحیدی زاده شده و از همان بدو تولّد، همگی خدا را می شناسند؛ چرا که از روح او جدا و زنده شده اند و به هیچ چیز، غیر او التفات ندارند؛ نه اسبابی می شناسند و نه مسببی. فقط محو نور هستی که از آن خلق شده و ظهور یافته اند. این شناخت فطری از خدا، که همان شناخت حقیقت خویشی و آگاهی نسبت به هستی خود می باشد، گنج و سرمایه ای است که به مرور زمان، زیر غبار توجه به اسباب و مخلوقات عالم مادّه پنهان شده و دفن می گردد. کم کم انسان از اصل خویش غافل گردیده و تمام وجهی جان خود را به سوی مظاهری می نماید که همه شان، هیچ حقیقتی جز ظهور اسماء و صفات خدای یکتا ندارند. این التفات و نگرش به پدیده ها، با دید آیه بودن و مرآتیت آن ها نیست، بلکه با دید استقلالی و شریک دانستن همه، در هستی و ذات خویش فارغ از مبدا ازلّی همه موجودات است.

پس توحید، حقیقتی فطری و اصلی است و شرک، نگاه باطل تعلیمی و عرضی. هیچ کافر و مشرکی نیست مگر آنکه برخلاف فطرت خویش قیام نموده و حقیقت خود را انکار می‌کند؛ به دشمنی با حق پرداخته و بانفی خدای متعال، از خودش غافل شده است.

✽ «شریعت الهی» یعنی توحید و تسلیم او بودن

دین و شریعت الهی که در طول تاریخ توسط پیامبران متعدد الهی علیهم‌السلام از سوی خدای متعال برای هدایت مردم به ارمغان آورده شده و به تدریج تا نهایت تکامل یافته و به اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ختم گردیده است، چیزی جز بازگشت به فطرت اولیه‌ی الهی نیست؛ یعنی تمامی معارف، دستورات و ارزش‌های الهی که از زبان پاک و راستگوی پیامبران خدا علیهم‌السلام برای مردم تلاوت و تبیین شده است، دستورالعمل جامعی برای چرخاندن وجهی قلب آدمی به سوی خدای واحد قهار است؛ بازگشت به فطرت توحیدی و شناخت انحصاری حق که در آیات قرآن کریم از آن، به «دین قیم» تعبیر شده است.

شریعت غزاء الهی، از ابتدا اسلام بوده و جز تسلیم در برابر تنها حقیقت عالم، یعنی خدای متعال، نه حرفی دارد و نه دستوری می‌دهد. تمام عالم، فعل و تجلی خداوندی است که صاحب تمامی اسماء و صفات نیکوست و جز او، هیچ حقیقت و ذاتی وجود ندارد. این معارف توحیدی ناب، در تعبیر مختلف آیات قرآن کریم و روایات مأثور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام منعکس شده و تنها حجاب فهم و درک آن‌ها، شرک تعلیمی و دور افتادن از اصل توحیدی خویش است.

✽ «دین» تنها راه بازگشت به توحید فطری

و دین ارمغان خدا برای هدایت بشر است تا او را از تاریکی‌ها خارج ساخته و به نور مطلق که خود اوست بازگرداند. حال ممکن است کسی بخواهد با روش، اسلوب و مکتبی دیگر راه به سوی حقیقت

عالم پیدا کرده و شناخت صحیحی از خود به دست آورد و به تبع آن، به دنبال آن باشد که به بهترین وجه، متناسب با حقیقت عالم رفتار نماید و زندگی کند؛ اما زهی خیال باطل که در برابر هدایت الهی و ولایت الله، هرچیزی که قد علم کند و داعیه‌ی هدایت و دست‌گیری داشته باشد، جز ضلالت و ولایت طاغوت نیست که نتیجه‌اش، دوری بیش از پیش از فطرت و فرو رفتن در تاریکی‌های بی‌خدایی است و سرانجامی جز جهنم و عذاب در بر ندارد.

عرفان‌های ساختگی و شناخت‌های منحرف و مکاتب مادی و الحادی، یا حقیقت توحیدی فطرت را نفی می‌کنند و یا راهی غیر از آنچه خدای متعال معترفی فرموده را در برابر انسان می‌گذارند که در هر دو صورت نتیجه، خسران و حرمان است؛ چه آنکه به واسطه‌ی «اغواء» هدف و غایت که همان الله تعالی است، تغییر کند و چه آنکه به واسطه‌ی «اضلال»، مسیر رسیدن به آن حقیقت که جز الله تعالی نیست، به اشتباه معزفی گردد.

✽ «اسرار الهی» مخفی، ولی دست‌یافتنی است

حال اگر کسی معتقد و ملتزم به شریعت کامل و اسلام ناب محمدی ﷺ گردد و در قلب و رفتار خویش به فرمایشات و دستورات الهی، معتقد و پایبند باشد، در مسیر بازگشت به فطرت قرار گرفته و به رموز و باطن آنچه می‌بیند و می‌فهمد راه خواهد یافت.

هزار نکته‌ی باریک‌ترز مواینجاست و هزار راز سربه‌مهر برای اهلش مخفی نگاه داشته شده تا مردی از نیمه‌راه زندگی مشرکانه بازگردد و به ندای غیبی پیامبردرونی و بیرونی خویش ایمان بیاورد؛ جز خدا نبیند و تجارت و پرداختن به اسباب، او را از فطرت خویش غافل نسازد.

اینجاست که بهشت، مشتاق مؤمن می‌شود و انتظار می‌کشد تا حقیقت خویش را که جز الطاف، عنایات و تجلیات ربّانیه نیست، بر مؤمن عرضه نماید و او را از پس تمامی نعمت‌ها به دیدار محبوب ازلی و ابدی خویش نائل سازد.

راه رسیدن به این حقیقت بی‌انتها، در دین تشریح شده و لوازم پیمودن این مسیر نیز به همهٔ بندگان عطا شده است؛ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام تا ما را کنار حوض کوثر راهبری می‌کنند و فطرت الهی نیز در جان همه‌ی ما وجود دارد تا با حرکت به سوی آن، به سرچشمه‌ی حیات طیبه بازرسیم؛ که «هو الحیّ القیوم».

✱ چستی سیر و سلوک

کسی که قصد خدا نموده و از تأثیریک جذبه‌ی الهی تصمیم گرفته که از عالم کثرت عبور کند و به هر ترتیب که میسر است بار سفر بریندد و از این غوغای پردغدغه و دردآور، خود را خلاص کند «سالک الی الله» نامیده می‌شود و در عرف و اصطلاح عرفاء به این سفر «سیر و سلوک» می‌گویند. «سلوک» پیمودن راه است و «سیر» تماشای آثار و خصوصیات منازل و مراحل در بین راه.

پس «سیر و سلوک» یک روش عملی و چیدمان خاصی از انجام دستورات الهی است که موجب می‌شود تا انسان، در ملکوت عالم سیر نماید و به توحید حقیقی راه یابد؛ این سیر عملی، که به آن «عرفان عملی» نیز گفته می‌شود، ابتدا انسان را به توحید می‌رساند و از بند توهمات عالم شرک رهایی می‌بخشد و سپس حقایق را برای سالک کشف می‌نماید که تا پیش از آن، نه دیده بود و نه باور داشت.

کشف و مشاهدات و حالات مختلفی که برای سالک پیدا می‌شود، تنها نشانه‌ی در حرکت بودن اوست و ارزشی غیر از این ندارد؛ یعنی قوت سلوک به مقدار کشف و تجربه‌ی حالات گوناگون نیست؛ بلکه نتیجه‌ی نهایی که توحید کامل است، مقیاس و معیار حتمی و نهایی است.

لذا ممکن است که مقدار مکاشفات و مشاهدات در بین مسیر سالکین، با هم متفاوت باشد؛ یعنی کسی دائم‌الکشف باشد و دیگری قلیل‌المکاشفه. این خصوصیتی است که به مخصوص هر فرد است و به هیچ وجه ملاک و معیار نیست.

آنچه مهم است این است که تنسک و تقید بدون سیر و مشاهده‌ی حقایق عالم، انجام دستورات الهی، بدون هیچ تغییری و تأثیری در شخص عابد، می‌تواند نشان از بی‌روح بودن تمامی عبادات و حرکت نداشتن فرد عامل باشد. این تنسک خشک بدون تأثیر، خطرناک و فریبنده است؛ چون انسان را به فکر اصلاح نمی‌اندازد و مانع تغییر او نیز می‌گردد.

✱ «جذبه نام» یا «سلوک کامل» برای وصول به غایت توحیدی

متوجه خدا شدن، تصمیم گرفتن و راه افتادن به سوی او، نعمتی است که از جانب خدای متعال به بندگان ارزانی می‌شود و تا این باب رحمت بر کسی گشوده نشود، هیچ طلب و شوقی به معنویات در درونش ایجاد نمی‌گردد؛ زیرا که جز عالم ماده را نمی‌بیند و هیچ اطلاعی فراتر از عالم اسباب در دست ندارد. اما اگر آتش جذبه‌ی الهی بر دامن کسی بیفتد و برقی از ملکوت، چشم دلش را روشن سازد، هرچند که باز هم در تاریکی فرو رود و جز خاطراتی از عالم معنا نداشته باشد، اما آرام و قرار از او سلب گشته و حیران عالم دیگری خواهد شد که جلواتی از آن را مشاهده کرده است. گویا به یاد می‌آورد که مرغ باغ ملکوت است و در این دامگاه به اسارت افتاده است.

حال یا با آتش همین جذبه‌ی اولیه، تمامی ماسوی الله را می‌سوزاند و به توحید مطلق راه می‌یابد که نمونه‌های این نوع از وصول به حقیقت، متعدد است، ولی فراگیر نیست؛ و یا اینکه این جذبه، فقط آرام و قرار شخص را گرفته و زندگی مادی او را پوچ و بی‌معنای سازد و موجب ترک زندگی قشری و بی‌محتوای فعلی انسان شده و او را در صدد یافتن راه وصول به حقیقت بر می‌آورد که به مرور از عالم کثرت به توحید رهسپار شود. بر خلاف مسیر اول، این مسیر دوم، فراگیر و همگانی است.

بسیاری از شهدا، توابین و عرفایی که بدون داشتن مرتبی و استاد سلوکی، به یک‌باره متحول شده و از اعماق جهنم هجران و غفلت از خدا به جنت لقاء الله راه یافته‌اند، از گروه اول هستند و دیگرانی که

با مجاهده و ریاضت تحت تربیت یک استاد قرار داشته و کم‌کم به مراتب بالای توحیدی رسیده‌اند، از گروه دوم هستند.

✽ ضرورت استاد و راهنما

داشتن مربی راه‌رفته و انسان روشن‌ضمیری که بداند زیر و بم سلوک چیست و چطور می‌توان بدون آسیب رساندن به خود و غافل شدن از وظایف شخصی، خانوادگی، اجتماعی و... این مسیر را طی نمود، لازم است و هیچ جایگزینی ندارد. باید کسی بیاید و انسان را متوجه نماید تا راه روشن شود، موانع مرتفع گردد و رحمت الهی کار خویش را انجام دهد و انسان تا خدا سیر کند.

البته ممکن است که این عنایت الهی و دست‌گیری و هدایت پروردگار، در ابتدای مسیر و در کلیاتی که واضح و مبین است، با استاد اسم و رسم دار نباشد، بلکه از آستین یک رفیق یا یک واعظ، بیرون زده و انسان را راهبری نماید؛ اما پس از مدتی که دشواری‌های سلوک خود را نشان داد و سالک گام‌های مقدماتی را برداشت، نیاز به امدادهای خاص و دست‌گیری‌های دقیق ربانی است که یا مستقیماً به سالک الهام و القا می‌شود و یا توسط یک ولی الهی که مرتبط با عالم معناست، به او تذکر داده می‌شود.

تمامی این دست‌گیری‌ها و عنایات، تحت ولایت امام معصوم هر عصر است و سالک بر سر سفره‌ی امام زمان خویش نشسته است؛ حال باید آن قدر رشد کند و از دستورات تربیت‌شدگان آن امام امتثال نماید تا لایق دیدار و عنایات مستقیم آن حضرت شود و تحت ولایت بی‌واسطه‌ی او، سلوک نماید و از دیگران دست‌گیری نماید.

✽ مرحوم آیت الله حق شناس

مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالکریم حق شناس، صاحب فطرتی پاک و بی‌حجاب بودند که زلالی و صفای توحیدی‌شان در کلام و رفتار ایشان، کاملاً نمایان بود و چون خورشید می‌درخشید. ایشان در سیر

إلى الله، از مجاهده و ریاضت‌های فراوان فروگذار نکرده و از اساتید مختلفی در عرفان عملی بهره برده بودند. تمامی آنچه به دست آورده بودند را با معیار شرع مقدّس و آیات و روایات می‌سنجیدند و هزار نکته‌ی باریک‌تراز موبرای طالبان حقیقت بیان می‌کردند که هر کدام دُرّ و گوهری بود که از دریای معارف، به ایشان عنایت شده بود.

صداقت و جدّیت ایشان برای دست‌گیری و هدایت مؤمنان و خصوصاً جوانان، مثال‌زدنی بود و هیچ چیز نمی‌توانست مانع جلسات ارشادشان شود. در زمان بمباران، مسجد و منبر تعطیل نشد و کهولت و بیماری نتوانست مانع نفع‌رسانی این مرد الهی به بندگان خدا شود که شاید همین نکته، دلیل طولانی بودن عمر پربرکت ایشان بود.

با راه‌زنانی مانند صوفی‌ها که درصدد دزدیدن گوهر عمر جوانان بودند، به شدّت برخورد داشتند و با روشن‌گری‌های صریح و علنی، نمی‌گذاشتند که کسی به دام آن‌ها بیفتد.

کلام نورانی و تذکرات ناب سلوکی ایشان که غالباً در ذیل شرح دادن یک روایت ایراد می‌گردید، امروز هم زنده است و برای تمامی سالکان راه حقیقت و طالبان کوی دوست، تحفه و نعمتی بهشتی است که می‌تواند راه را برای آنان روشن نموده و موانع سلوکشان را مشخص و مرتفع سازد.

✽ درباره‌ی این اثر

آیت‌الله حق‌شناس رحمته‌الله مباحث منسجم و مستقّلی در مورد عرفان عملی نداشتند، ولی مواعظ عمومی و منبرهای مسجد امین‌الدوله‌ی ایشان، پر بود از نکات ناب عرفانی. این کتاب نیز به پیشنهاد و تأیید برخی شاگردان و شیفتگان آن بزرگوار تنظیم شده است که تأیید نهایی آن زیر نظر حضرت آیت‌الله جاودان رحمته‌الله بوده است که خود از تربیت‌یافتگان آن عارف بزرگ الهی است.

محتوای این مجموعه، از میان چهار جلد کتاب «مواعظ» معظم‌له استخراج شده و سعی گردیده نکاتی که جنبه‌ی تربیتی و سلوکی دارند

با کمترین تغییر، در چینی‌های جدید ارائه گردد. البته لازم به ذکر است از آنجا که مطالب این مجموعه، اکثراً جنبه‌ی تذکری و موعظه‌گونه دارد، سعی شده که جنبه‌ی ارشادی و تاثیرگذاری در آن، بر تقسیم‌بندی علمی و چینش خشک غلبه داشته و به زبان وعظ و خطابه نزدیک‌تر باشد تا شاید برای خواننده نفع بیشتری داشته باشد.

جلد اول این مجموعه دارای شش فصل است که در آن، به کلیات و برخی مباحث مبنایی در سیر و سلوک اشاره شده و جلد دوم نیز در بردارنده‌ی مطالبی در باب آداب سیر و سلوک الی الله می‌باشد که در دوازده فصل تدوین و تبویب گردیده است.

در فصل اول این جلد، طبق روش مرحوم آیت الله حق شناس ابتدا به بحث «یقظه و خودشناسی» پرداخته و در صدد شناساندن موقعیت فعلی مخاطب است تا او را از خواب غفلت به در آورده و در او انگیزه و امید برای حرکت ایجاد کند. این فصل دارای چهار گفتار است.

فصل دوم درباره‌ی «علم و آگاهی» است که به مباحث کلی ضرورت تعلیم علم نافع و پرهیز از علم مضر پرداخته و آداب و خصوصیات تعلیم و تعلم را در هفت گفتار مرور می‌نماید.

فصل سوم با عنوان «معیارهای سلوک» در صدد بیان روش و غایت مورد قبول عرفان اصیل اسلامی است که وجه تمایز آن را با نسخه‌های بدل و انحرافی، در پانزده گفتار معرفی می‌نماید.

فصل چهارم با عنوان «موانع سلوکی» به مانعیت چند حجاب و مانع اصلی در سیر الی الله پرداخته که مطالب آن در چهار بخش و شش گفتار، تنظیم و ارائه شده است.

فصل پنجم درباره‌ی «حقیقت و روش صحیح سلوک الی الله» است و ایمان داشتن، اطاعت عملی، رعایت کامل تقوا، مجاهده‌ی با نفس و محاسبه و مراقبه‌ی دائمی را روش صحیح سلوک اسلامی معرفی می‌نماید که مطالب آن، در چهار بخش و سیزده گفتار تدوین شده است.

جلد دوم نیز درباره‌ی «آداب سیر و سلوک» است که ضمن دوازده فصل و قریب به پنجاه گفتار، اهم آداب و بایسته‌هایی که سالک الی الله

باید بدان‌ها التزام عملی داشته باشد را تبیین نموده است تا سلوک سریع‌تر شده و شخص بتواند از مقدمات و کلیات عبور کرده و با ورود به ملکوت عالم و ارتباط با حقیقت و باطن معارف الهی، آماده‌ی جلب عنایات خاص الهی شود. ضمناً در ابتدای هر فصل، درآمدی پیرامون فضای کلی آن فصل، چرایی چینش و جاگذاری این عناوین در کنار یکدیگر مختصراً توضیحاتی ارائه شده است تا خواننده را با فضای کلی بحث آشنا کرده و برای اهل معرفت نیز مفید باشد.

در پایان ضمن عذرخواهی به خاطر قصور و تقصیرهایی که در آماده‌سازی این اثر پیش آمده، از تمامی کسانی که برای آماده شدن این مجموعه‌ی ارزشمند تلاش نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم و از خدای متعال عاجزانه خواستاریم که ما را نیز به بهانه‌ی وساطت در انتقال معارف توحیدی به تشنگان و طالبان حقیقی خویش، برسر سفره‌ی پر بار معرفت خود بار دهد و از سالکین واصل به مقام قرب و فنای خویش مقدر فرماید.

قَالَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ أَطْيَبَ شَيْءٍ فِي الْجَنَّةِ وَالَّذَهُ حُبُّ اللَّهِ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ اللَّهُ وَجَلَّ: «وَأَخْرَدَعَوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

* مصباح الشریعه، ص ۱۹۵ *

دی ماه ۱۳۹۷ مطابق با ربیع الثانی ۱۴۴۰
حرم آل الله رحمتهم الله * قم مقدس * مصطفی شاه‌احمد پور